

ذره بین

کلاهبرداری ۳۰ میلیاردی در «بوکان»

از این کلاهبردار چهار سوله بزرگ کالای سرقتی پیدا شد

عامل کلاهبرداری ۳۰ میلیارد تومانی در بوکان دستگیر شد. همچنین چهار سوله بزرگ از کالاهای کلاهبرداری شده از صاحبان شرکت ها و موسسات خصوصی کشف شد.

به دنبال کلاهبرداری های صورت گرفته در سطح استان و به خصوص شهرستان بوکان، افراد زیادی به عنوان مالباخته به مراجع قضائی شهرستان مراجعه و اعلام شکایت کردند.

بلافاصله موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. در این راستا ابتدا اظهارات شاکیان به همراه دلایل و مدارک اخذ شد. ضمن بررسی، تحقیقات میدانی و فنی مشخص شد که متهم پرونده به نام (س. ر.) از افراد سابقه دار است. او با استفاده از فضای مجازی مالباختگان را که اکثر از مالکان کارخانه ها یا کارگاه های تولیدی با نام و آوازه کشور بوده اند و نیز تبلیغات زیادی هم در راستای تولیدات خود داشته اند را شناسایی می کرد.

متهم با ایجاد ارتباط و معرفی خود به عنوان قطب صادرات استان به کشورهای همسایه به خصوص کشور عراق مالباختگان را فریب می داد. او با چرب زبانی صاحبان شرکت ها یا کارخانجات مورد نظر را به شهرستان بوکان دعوت کرده و اموال آنها را با شیوه و شگردهای خاصی کلاهبرداری می کرد.

متهم اصلی پرونده، همه اقدامات را به صورت پشت پرده و با اجیر کردن افراد ساده لوح انجام می داد تا از این طریق خودش از دست قانون فرار کند.

به منظور احقاق حقوق مالباختگان، با تشکیل اتاق فکر پرونده های مطروحه دوباره مورد بررسی قرار گرفت. در این خصوص متهم اصلی پرونده که در سایه عمل می کرد با تلاش شبانه روزی پلیس آگاهی شناسایی شد. او در یک عملیات منسجم دستگیر و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضائی شد.

سردار «مسعود خرم نیا» فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی با اعلام این خبر گفت: «ارزش اقلام کشف شده از چهار سوله محل نگهداری کالاهای کلاهبرداری شده از صاحبان شرکت ها و موسسات خصوصی بالغ بر ۳۰ میلیارد ریال برآورد شده است.»

شهادت دو محیط بان زنجان در منطقه حفاظت شده

اعلام این درگیری مرگبار از سوی پلیس آگاهی دستگیر شدند

دو محیط بان زنجان در منطقه حفاظت شده «فیله خاصه» در شمال غربی استان زنجان توسط افراد ناشناس به شهادت رسیدند. در حالی که پلیس آگاهی استان زنجان اعلام کرد دومین عامل شهادت محیط بانان زنجان دستگیر شده است، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست در پیامی خواستار رسیدگی فوری به این پرونده شد.

شامگاه دوشنبه دو تن از محیط بانان زنجان در منطقه حفاظت شده «فیله خاصه» در شمال غربی استان زنجان در مجاورت استان آذربایجان شرقی توسط افراد ناشناس و با سلاح جنگی به شهادت رسیدند.

بر همین اساس پلیس آگاهی بلافاصله پس از این حادثه تحقیقات خود را در راستای شناسایی قاتلان محیط بانان زنجان آغاز کرد. مأموران پلیس کمتر از ۲۴ ساعت دو تن از عاملان شهادت این محیط بانان را دستگیر کرد. البته طبق گفته پلیس آگاهی استان زنجان همچنان تحقیقات برای شناسایی بیشتر عاملان شهادت محیط بانان زنجان ادامه دارد.

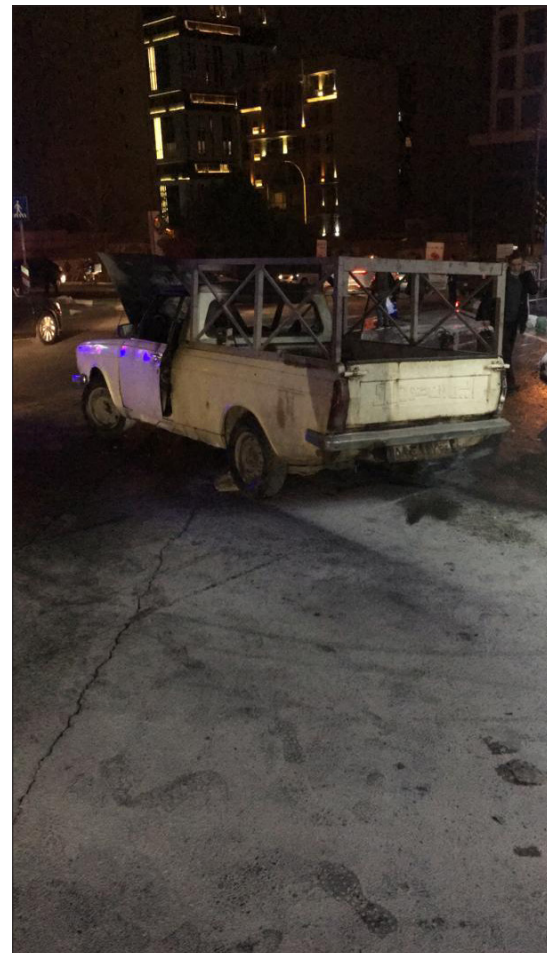
همچنین رئیس پلیس آگاهی استان زنجان با بیان اینکه فرد دستگیر شده کاملاً مرتبط با پرونده شهادت دو محیط بان زنجان است، گفت: «او یکی از شکارچیان حاضر در محل حادثه بوده است.» او با اشاره به اینکه در حال بررسی بیشتر موضوع هستیم، گفت: «ارتباط فرد دستگیر شده با پرونده شهادت دو محیط بان زنجان مسلم است.» رحمتی با بیان اینکه تحقیقات بیشتری برای مشخص شدن زوایای حادثه و تعداد شکارچیان حاضر در صحنه نیاز است، گفت: «یک جنایت و حادثه هولناکی روی داده و باید اجزای حادثه در کنار هم قرار گیرد تا نحوه وقوع حادثه به صورت کامل مشخص شود.» او در ادامه صحبت هایش گفت: «پیکر دو محیط بان شهید زنجان در حالی پیدا شد که روز گذشته در جریان تعقیب و گریز با شکارچیان غیرمجاز، ارتباط آنها با مرکز قطع شده بود. در بررسی از منزل این افراد گوشت شکار و اسلحه نیز پیدا شد. البته بازجویی از این افراد هنوز آغاز نشده است.»

رئیس پلیس آگاهی استان زنجان، ادامه داد: «متأسفانه این اتفاقات ناگوار به دنبال مدیریت نشدن شرایط از سوی افرادرخ می دهد که نتایج دردناکی را در پی دارد.»

مهدی مجلل و میکائیل هاشمی دو محیط بان زنجان بودند که در درگیری با شکارچیان با سلاح جنگی به شهادت رسیدند.

در پی این حادثه بررسی برای شناسایی عوامل این حادثه توسط پلیس آغاز شد. صبح دیروز یکی از عاملان این جنایت توسط پلیس آگاهی دستگیر و ساعتی بعد نیز مظنون دوم دستگیر شد.

از سوی دیگر عیسی کلانتری، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با انتشار پیامی ضمن تسلیت این واقعه، خواهان رسیدگی فوری به این حادثه شد.



گفت وگویی «شهرود» با مأمور راهوری که با فداکاری از یک فاجعه جلوگیری کرد

ماجرای آتش سوزی خودرو و فداکاری جناب سرهنگ

و مردم آنجا آسیب جبران ناپذیری می زد. در کل دو ثانیه بیشتر فرصت نداشتم که به این چیزها فکر کنم. در نهایت به سمت خود رفتم.»

«دستانم را جلوی ماشین گذاشتم تا حرکت نکند، اما دستم سوخت. بلافاصله به عقب خودرو رفتم. همزمان فریاد زدم که چیزی جلوی ماشین بگذارند. عقب خودرو را با تمام توان گرفتم و در نهایت مردم هم یک بلوک سیمانی از ساختمان در حال ساخت آن اطراف، جلوی ماشین گذاشتند. خودرو متوقف شد و آتش نشانی هم رسید. آتش خاموش شد و فاجعه نیز به پایان رسید.»

پایان فاجعه

در آن لحظه بود که سرهنگ خطر کرد. دستانش را روی خودرو گذاشت و با تمام توان مانع از حرکت آن شد. همزمان دستانش سوخت. حتی حرارت آهن های سوخته این خودرو صورت و بدنش را هم داغ کرده بود. ولی او به این چیزها فکر نکرد. کار خود را تمام کرد: «دستانم را جلوی ماشین گذاشتم تا حرکت نکند، اما دستم سوخت. بلافاصله به عقب خودرو رفتم. همزمان فریاد زدم که چیزی جلوی ماشین بگذارند. عقب خودرو را با تمام توان گرفتم و در نهایت مردم هم یک بلوک سیمانی از ساختمان در حال ساخت آن اطراف، جلوی ماشین گذاشتند. خودرو متوقف شد و آتش نشانی هم رسید. آتش خاموش شد و فاجعه نیز به پایان رسید.»

سوختگی و مصدومیت جناب سرهنگ
با پایان این ماجرا سرهنگ به بیمارستان منتقل شد. چراکه مصدوم شده بود: «سوختگی نوع دو داشتم. دستانم، بریده بود. مچ و کف هر دو دستم هم سوخت. بلافاصله به بیمارستان منتقل شدم. در آنجا بودم که دیدم چند نفر از مردم آمدند.

هر لحظه بیشتر زبانه می کشید. مردم سعی می کردند کمک کنند. تا اینکه چند کیسول دیگر به دست سرهنگ رضایانه رسید: «وقتی دیدم آتش هر لحظه بیشتر می شود از مردم خواستم به مجتمع تجاری همانجا بروند و کیسول بیاورند. می دانستم که در آنجا قطعاً کیسول های بزرگ تری وجود دارد. در نهایت دو سه کیسول دیگر به دستم رسید و من از آنها استفاده کردم. حتی هنگام استفاده دستم برید. با این حال شعله ها کم شد و من هم چون نزدیک ماشین بودم تصور کردم که آتش کاملاً خاموش شده است. داشت خیالم راحت می شد، اما گویا همه چیز در دید من نبود. ناگهان دیدم مردم فریاد می زنند و می گویند کیسول را زیر ماشین بگیر. فریاد می زدند و می گفتند باک. تنها کسی که به ماشین نزدیک بود من بودم. سرم را پایین کردم و دیدم آتش در زیر خودرو هنوز روشن است و هر لحظه ممکن است به باک برسد. همان لحظه بود که به فاجعه نزدیک شدیم.»

فداکاری در دل آتش

ناگهان خودرو شروع به حرکت کرد. به آهستگی حرکت می کرد و به سمت پایین می رفت. آتش هم همزمان در زیر خودرو شعله ور بود. صحنه وحشتناکی در میدان کاج ایجاد شده بود و مردم فریاد می زدند. هنوز آتش نشانی نرسیده بود و هر لحظه امکان انفجار وجود داشت: «تمام این اتفاقات در عرض ۱۰ تا ۱۵ دقیقه رخ داد. شب عید بود. همه جا شلوغ بود. مأموران آتش نشانی هم در راه بودند، اما نمی شد فرصت را از دست داد. ترمز ماشین دچار اشکال شده بود و خودرو به حرکت افتاد. آهسته حرکت می کرد. ولی از آنجایی که من به آن منطقه اشرف داشتم، می دانستم که ۲۰ متر پایین تر ایستگاه تاکسی است و مردم زیادی در آنجا حضور دارند. تاکسی های زیاد هم وجود داشت. به خاطر شب عید نیز جمعیت بسیار زیاد تر بود. یعنی اگر خودرو به حرکتش ادامه می داد چند ثانیه بعد به ایستگاه تاکسی می رسید. ممکن بود آنجا منفجر شود و فاجعه به بار بیاید. از طرفی اگر هم به ایستگاه تاکسی نمی رسید در آن اطراف منفجر می شد و باز هم به خودروهای دیگر

چند ثانیه بیشتر فرصت نداشت. چند ثانیه تا فاجعه. فاجعه ای که می توانست به مرگ دلخراش چندین نفر ختم شود، اما جناب سرهنگ چشمانش را بست و در دل آتش رفت. آتشی که هر لحظه امکان انفجار و تاختن شعله های سرکش را داشت. سرهنگ امین رضایانه درست در ثانیه های آخر وقتی پیکان و انت در حال انفجار بود، از حرکت آن جلوگیری کرد. دستانش را روی آهن های داغ این خودرو گذاشت، آن را نگه داشت و مانع حرکتش به سمت مردم شد. خودرویی که آتش به باک بنزینش نزدیک شده و در حال انفجار بود، اما این مأمور راهور بدون ترس از یک فاجعه جلوگیری کرد. جانش را کف دستش گذاشت و توانست از سرایت این آتش جلوگیری کند.

عصر روز ۲۷ اسفند سال گذشته بود. سرهنگ دوم امین رضایانه، مسئول اداره تصادفات و مهندسی ترافیک منطقه دو پلیس راهور، برای کارشناسی صحنه یک تصادف راهی میدان کاج سعادت آباد شد، اما هنوز سر صحنه نرسیده بود که با یک صحنه دیگر مواجه شد. درست دور میدان مردی فریاد می زد و درخواست کمک داشت. او خبر از آتش سوزی می داد.

فریاد کمک

بلافاصله سرهنگ رضایانه خودش را به این مرد رساند: «وقتی او فریاد می زد و از آتش سوزی خودرو اش می گفت، در ابتدا هیچ آتشی ندیدم. ولی وقتی نزدیک شدم دیدم درون اتاق پیکان و انت سفید رنگش آتش گرفته و به صدای های جلو نیز سرایت کرده است. بلافاصله نزدیک شدم. نزدیک شدن به آن شعله ها خیلی خطرناک بود. ولی دیدم اگر کاری نکنم، حتماً اتفاق بدی رخ می دهد. مردم جمع شده بودند و تماشا می کردند. برخی از آنها نیز فیلم می گرفتند. از مردم خواستم هرکس در این اطراف کیسول آتش نشانی دارد به من بدهد. بلافاصله در جلوی خودرو را باز کردم. دو کیسول به دستم رساندند و من از آن استفاده کردم.»

آتش گرفتن باک بنزین

ولی استفاده از کیسول ها برای سرهنگ فایده نداشت. آتش خاموش نشد و